

سنجش عملکردی

ناصر جعفری

سنجش عملکردی که نمونه ای از ارزشیابی کیفی است به دلیل کاستی‌ها و نارسائی‌های ارزشیابی کمی به تدریج در حوزه‌های اجرایی به ویژه مدارس راه باز کرده است. این نوع سنجش به جهت ماهیت و کارکردهای خاصی که دارد، تا پیش از تغییرات ایجاد شده در برنامه های درسی شاید از چنان اقبالی برخوردار نبوده است اما در یک دهه گذشته با توجه به تحولات ایجاد شده در رویه‌ها و روندهای آموزشی از جایگاه مناسبی برخوردار شده است.

همسویی و هم راستایی این نوع سنجش با اهداف و برنامه های قصد شده برای آموزش دانش آموزان تیزهوش دلیل اصلی پرداختن به این موضوع است. همچنین تلاش خواهد شد تا در صورت امکان در شماره های دیگر نشریه نیز به فراخور حال نمونه های دیگری از روش های ارزشیابی کیفی ارائه گردد. در این شماره تلاش شده به اجمال ضمن بازخوانی اهمیت ارزشیابی، به مسائل و دشواری های ارزشیابی های کنونی (کمی) نیز اشاره شود.

اهمیت ارزشیابی

ارزشیابی از چهار منظر دارای اهمیت است.

۱- از دیدگاه معلمان: آموزگاران از طریق ارزشیابی می توانند:

- از میزان اثر بخشی آموزش و تدریس خود اطلاع حاصل نمایند
- از میزان تحقق اهداف آموزشی در مربوطه اطمینان پیدا کنند
- از میزان آگاهی و آمادگی دانش آموزان برای شروع مطالب جدید آگاهی یابند.

۲- از دیدگاه دانش آموزان: دانش آموزان از طریق ارزشیابی می توانند:

- از نقاط ضعف و قوت خود آگاهی پیدا کنند.
- از توانائی ها و استعداد های خود درک نسبتا درستی به دست آورند
- اطلاعات نسبتا خوبی از میزان دانش و مهارت های کسب شده خود به دست آورند

۳- از دیدگاه اولیای دانش‌آموزان: از این منظر ارزشیابی وسیله‌ای است برای

- آگاهی از وضعیت تحصیلی فرزندان

- انجام اقدامات لازم برای رفع نقاط ضعف و تقویت و توسعه جنبه‌های مثبت

- شناسایی استعدادها و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای رشد و شکوفایی آن

۴- از دیدگاه برنامه ریزان و کارشناسان آموزشی: مطالعه نتایج ارزشیابی برای برنامه‌ریزان و

کارشناسان دارای اهمیت بسیاری است چرا که آنها از این طریق می‌توانند:

- از میزان اثر بخشی برنامه های آموزشی آگاهی یابند

- برنامه‌های لازم، روش‌ها و تجهیزات آموزشی جهت تطابق با شرایط موجود را طراحی و

تنظیم نمایند

مسائل و دشواری‌های ارزشیابی‌های کنونی

(۱) اهمیت ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان بر هیچ فرد آگاه به مسائل تعلیم و تربیت

پوشیده نیست؛ به گونه ای که متخصصان یکی از عناصر مهم آموزش و پرورش را ارزشیابی

می‌دانند. اما چگونگی نگاه به این حوزه، مسائل و مشکلاتی را موجب شده است؛ به گونه‌ای که معلم

و دانش‌آموز سایه سنگین ارزشیابی را در زمان آموزش و مطالعه بر سر خود احساس می‌کنند. در

واقع معلم آموزش خود را بر مبنای نوع و شکل سؤالات امتحانی طراحی نموده و دانش‌آموز نیز برنامه

مطالعه خود را بر اساس این که سؤالات امتحانی چگونه است تنظیم می‌کند. با این شیوه «سنجش و

اندازه‌گیری به جای آن که وسیله‌ای باشد در خدمت آموزش، خود به یک هدف والا تبدیل می‌شود؛

به عبارتی دانش‌آموزان درس می‌خوانند تا امتحان بدهند».

(۲) نسبت زمانی امتحان به آموزش در اغلب نظام‌های آموزشی کشورهای توسعه‌یافته، ۱ به ۲۵

است؛ در حالی که این نسبت در نظام تعلیم و تربیت رسمی ما علی‌رغم تغییر رویه‌ها و روندهای

ارزشیابی با استاندارد فوق فاصله دارد. مفهوم نسبت مزبور این است که به ازای هر یک ساعتی که

امتحان گرفته می‌شود، باید بیست و پنج ساعت آموزش داده شده باشد؛ و یا هر یک روز امتحان

باید بعد از بیست و پنج روز آموزش انجام شود. زمانی که ما مکرر در مکرر در حال برگزاری آزمون

هستیم - اگرچه برای این کار خود عناوین دیگری را هم بر می‌گزینیم - بدیهی است که این نسبت

با استانداردهای موجود فاصله خواهد داشت.

(۳) انتقادهای وارده بر ارزشیابی‌های کنونی گویای این مطلب است که عمده ارزشیابی‌ها بر

تکالیف کم اهمیت، جزئی و تصنعی متمرکز است. این تکالیف توانایی دانش‌آموزان را در به کارگیری

دانش و مهارت‌هایشان در زندگی واقعی مورد آزمون قرار نمی‌دهند.

(۴) یکی دیگر از مسائل مترتب بر ارزشیابی‌های کنونی این است که بسیاری از جنبه‌های شناخت و تفاوت‌های اساسی را که در فهم دانش‌آموزان وجود دارد، مورد توجه قرار نداده است. برای نمونه بسیاری از ابعاد مهم یادگیری مانند سازمان دانش فراگیران، مهارت‌های خودارزیابی، مشارکت در حل مسئله و ... کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

(۵) مناقشه دیگری که در ارتباط با ارزشیابی‌های رایج وجود دارد این است که با افزایش نمره دانش‌آموزان نمی‌توان گفت که یادگیری آنها در یک زمینه دانشی و مهارتی بهبود پیدا کرده است. زیرا با آموزش نحوه آزمون دادن می‌توان نمرات آزمون‌شوندگان را افزایش داد.

(۶) محدودیت دیگر به ماهیت ایستای بسیاری از ارزشیابی‌های کنونی معطوف است. بیشتر ارزشیابی‌های جاری همانند یک «عکس فوری» در یک زمان ثابت هستند که گزارشی از درک مفهومی و پیشرفت فراگیران که در کانون یادگیری قرار دارد، به دست نمی‌دهند؛ زیرا عمده روش‌های کنونی ارزشیابی فاقد چارچوب نظری زیر بنایی برای فهم نحوه یادگیری در یک حیطه از دانش هستند. (تلخایی ۱۳۹۰)

سنجش عملکردی الگوی مناسب با اهداف برنامه درسی آموزش تیزهوشان

در خصوص اهداف آموزشی برای تیزهوشان و بر اساس توانایی‌های خاص آنان میان متخصصان اتفاق نظر وجود دارد. برای مثال بیسلی اصول هفت‌گانه پاسو (۱۹۸۲) را مطرح می‌کند: (معافی ۱۳۹۲)

۱- تاکید بر مطالعه همه‌جانبه و ارتقای سطح معلومات آنها

۲- توسعه مهارت‌های فکری و خلاق

۳- تحقیق مستمر در مورد اطلاعات متنوع دسترسی به منابع تخصصی و استفاده از آنها از

جمله فناوری اطلاعات و ارتباطات

۵- تقویت خودیادگیری

۶- تفکر در سطوح بالا

۷- غنی‌سازی برنامه‌های درسی در قالب حل مسائل

ارلیچ ویرجینیا (۱۹۸۲) در آموزش تیزهوشان بر اهداف زیر تاکید می‌کند:

۱- تسلط در مهارت‌های اساسی

۲- تبحر در مهارت‌های فکری

۳- کسب یک اطلاعات اساسی ضروری برای زندگی در جامعه

۴- مواجه شدن با گستره وسیعی از دانش

۵- آشنایی با گستره وسیعی از مشاغل و عرصه‌های کار

۶- فراگیری مسئولیت‌های اجتماعی و مدنی

۷- آگاهی از ارزش‌های معنوی اخلاقی و روحی

۸- رشد ویژگی‌های مثبت و مرتبط با تیزهوشی

با توجه به اهداف آموزشی و پرورشی قصد شده برای دانش‌آموزان تیز هوش و نیز برنامه‌های درسی و آموزشی برای این گروه خاص و همچنین مطالب پیش‌گفته در بخش مقدماتی این نوشتار بی‌تردید نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی موجود هماهنگی کمی با اهداف و برنامه‌های درسی این گونه دانش‌آموزان دارد. لذا ضرورت توجه به الگوی جایگزین ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یکی از ضرورت‌های تعلیم و تربیت این گروه می‌باشد. یکی از الگوهای جایگزین برای ارزشیابی کنونی، سنجش عملکردی است. این نوع ارزشیابی، مفهومی قدیمی است که در دهه ۱۹۹۰ نگاه تازه‌ای به آن شد. در این روش، دانش‌آموزان به انجام تکالیف اصیل یا واقعی مبادرت می‌ورزند که متضمن به کارگیری ترکیب دانستنی‌ها و مهارت‌ها در یک زمینه و در چارچوب یک پروژه واقعی است.

برخی از ویژگی‌های سنجش عملکردی

سنجش عملکردی بیشتر با مهارت سرو کار دارد، مهارت در استفاده از فرایندها و شیوه‌های اجرایی و نیز مهارت در تولید فراورده‌ها (گرانلاند ۱۹۸۸). به عنوان مثال، دروس علوم تجربی با مهارت‌های آزمایشگاهی، دروس ریاضی با مهارت‌های حل مسئله، دروس ادبیات با مهارت‌های برقراری ارتباط و دروس مطالعات اجتماعی با مهارت‌هایی چون استفاده از نقشه و نمودار، کار در گروه و ... سر و کار دارند. اینها نمونه‌های مهارت در استفاده از فرایندها و شیوه‌های اجرایی هستند. علاوه بر اینها، مهارت در تولید فراورده‌ها در دروس هنر، آموزش صنعتی و تجاری، آموزش تربیت بدنی و ... از هدف‌های مهم آموزش و یادگیری به حساب می‌آیند.

سنجش عملکرد شامل دامنه وسیعی از روش‌های متفاوت و متنوع سنجش می‌شود که معمولاً از محدوده قلم و کاغذ فراتر می‌رود. تعدادی از این روش‌های جایگزین عبارت است از: سنجش انطباقی با رایانه، سنجش عملکرد انفرادی و گروهی، انجام مصاحبه، آزمون‌های غیررسمی، مشاهده انجام آزمایش‌های علمی، ارائه شفاهی مباحث و استدلال منطقی و ... بر خلاف روش‌های رسمی و معمول اندازه‌گیری، آموخته‌های فراگیران مانند آزمون‌های چندگزینه‌ای، صحیح غلط و ... که دانش‌آموز به

انتخاب یکی از پاسخ‌های آماده اقدام می‌کند. روش‌ها و ابزار سنجش عملکردی مستلزم اجرا و تهیه پاسخ توسط فراگیر می‌باشد. یک سنجش عملکرد مطلوب دارای دو جزء اساسی است؛ یک بخش تکلیف عملکرد و دیگری ملاک یا راهنمای نمره‌گذاری عملکرد. تکلیف عملکردی شامل یک محصول عینی و معین، نحوه رفتار و ارائه عملکرد یا پاسخ فراگیر است. راهنمای ارزشیابی نیز به منظور جلوگیری یا کاهش قضاوت ذهنی و شخصی ارزیاب و ارائه یک قضاوت نسبتاً مناسب و عادلانه از عملکرد فراگیر می‌باشد.

دسته‌بندی آزمون‌های مبتنی بر عملکرد

آزمون‌های عملکردی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود (گرانلاند ۱۹۸۸، نقل از سیف ۱۳۸۵). این آزمون‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کند: آزمون کتبی عملکردی، آزمون شناسایی، آزمون عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده و نمونه کار.

الف) آزمون کتبی: بین آزمون‌های کتبی معمولی و آزمون‌های کتبی عملکردی تفاوت وجود دارد. آزمون‌های کتبی عملکردی عمدتاً با کار بست دانش و مهارت در موقعیت‌های عملی یا شبیه‌سازی شده با موقعیت‌های واقعی تاکید دارند.

ب) آزمون شناسایی: این آزمون روشی است برای سنجش توانایی یادگیرنده در تشخیص ویژگی‌ها، محاسن و معایب و موارد استفاده امور مختلف

ج) انجام عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده: در آزمون شبیه‌سازی از دانش آموز خواسته می‌شود تا در یک موقعیت شبیه‌سازی شده یا مصنوعی و یا خیالی، همان اعمالی را انجام دهد که در موقعیت‌های واقعی ضروری هستند

د) نمونه کار: در این روش که نزدیک‌ترین روش سنجش به عملکرد واقعی است، دانش آموز در محیط طبیعی سنجش می‌شود

مراحل طراحی و اجرای سنجش عملکرد

۱- تعیین اهداف/سنجش عملکرد: اهداف عملکرد در واقع همان انتظارات یادگیری است که باید پیش از تدریس آماده شده و موجب هماهنگی تدریس و سنجش شود. این اهداف باید قابل مشاهده و اندازه‌پذیر بیان شود تا امر سنجش یادگیری میسر گردد.

۲- تهیه یا انتخاب تکالیف عملکردی: به زبان ساده تکالیف عملکردی باید بتواند آشکار سازد که فراگیر چه می‌داند و چه کاری می‌تواند انجام دهد. در راستای تهیه و تدوین تکالیف عملکردی مطلوب باید ملاک‌هایی را رعایت نمود که در قالب چند سؤال قابل طرح است:

- الف) آیا تکلیف و اقاها همسو و هماهنگ با نتایج یادگیری مورد انتظار از فراگیران می‌باشد؟
- ب) آیا تکلیف نیازمند به کارگیری مهارت‌های عملی و واقعی توسط فراگیر می‌باشد و یا اینکه در سطح محفوظات و یادآوری است؟
- ج) آیا پاسخگویی به تکلیف می‌تواند نقش آموزشی و بازخوردی برای فراگیر ایفا می‌نماید؟
- د) آیا تکلیف با دنیای واقعی و مهارت‌های مورد نیاز زندگی ارتباط دارد و یا به موضوعات کم‌ارزش می‌پردازد؟
- ه) آیا تهیه پاسخ نیازمند ابزار و وسایل خاصی که خارج از اختیار باشد و یاسوگیری فرهنگی، قومی یا جنسیتی نیست؟

۳- ساخت یا تدوین دستورالعمل نمره عملکرد

۴- اجرای سنجش عملکرد (حسینی ۱۳۸۶)

منابع:

- ۱- تلخایی، محمود (۱۳۹۰) طرح اولیه جهت بازاندیشی در روش‌های ارزشیابی دوره راهنمایی
- ۲- جعفری، ناصر (۱۳۸۱) شیوه‌های ارزشیابی مستمر از دانش‌آموزان، انتشارات چاپار
- ۳- حسینی، زهره (۱۳۸۶) روش‌های نوین ارزشیابی، همایش ملی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی
- ۴- معافی، محمود (۱۳۹۲) گزارش طرح نیازسنجی برنامه درسی استعدادهای درخشان
- ۵- ملکی، زهره‌السادات (۱۳۸۶) شیوه‌های نوین ارزشیابی